Justice Administration of Tehran Province

Judgment

https://www.Ghazavat.org

Online ISSN: 3060-7809
Print ISSN: 1735-1227
Volum:26 – Issue:127
Autumn 2026

The Approach of the International Criminal Court in Light of the Proceedings in the Jean-Pierre Bemba Case; Adherence to the statute of the ICC or the Application of Political Views

Mahdi Koorani[1] | Mohammad Jafar Habibzade[2] | Seyed Doraid Mousavi Mojab[3]

1. PhD Student in Criminal Law & Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modarres University,Tehran, Iran(Corresponding Author), mahdi.kourani@modares.ac.ir
2. Prof in Criminal Law & Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modarres University,Tehran, Iran, habibzam@modares.ac.ir
3. Assistant Prof in Criminal Law & Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modarres University,Tehran, Iran, d.mojab@modares.ac.ir

Article Info

Article type:
Scientific Article

Received:
2025/10/02
Received in revised form:
2025/12/26
Accepted:
2026/06/04

Keywords:
Procedures; Statute of the Court; International Criminal Court; Jean-Pierre Bemba.

Abstract

One of the issues frequently attracts attention in the subjects related to the humanities is the transformation of theoretical discussions as they are translated into practical frameworks. The requirements of the judicial system of the International Criminal Court (ICC) are no exception. The Court's practice does not always strictly conform to the provisions of its Statute. Accordingly, as an illustration of this issue, the present study analyses the Jean-Pierre Bemba case and the manner in which the ICC conducted the proceedings in this case. Jean-Pierre Bemba was prosecuted by the ICC for leading the rebel group known as the Movement for the Liberation of Congo (MLC) and for crimes committed against the central government. Employing a descriptive-analytical method and drawing on library-based sources, this study examines the principles and procedural rules of the ICC in the Bemba case. It also investigates matters including the Court's subject-matter jurisdiction, the manner in which prosecution was conducted, the role of the Pre-Trial Chamber throughout all stages of the proceedings, compliance with the principles of fair trial, and respect for the rights of the accused. Although many of the applicable procedural principles and requirements were observed in the proceedings in this case, certain departures from the provisions of the Statute and the application of political perspectives are also evident.

How To Cite

Koorani, Mahdi, Habibzade , Mohammad Jafar, Mousavi Mojab, Seyed Doraid. (2026). The Approach of the International Criminal Court in Light of the Proceedings in the Jean-Pierre Bemba Case; Adherence to the statute of the ICC or the Application of Political Views. Journal of Judgment, 127(3), 108-122. http//doi.org/ 10.22034/judg.2026.2073336.1604

DOI

10.22034/judg.2026.2073336.1604

©2025 The Author(s): This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, As long as the original authors and sources are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

Publisher

Publications of the Judiciary of Tehran Province

آموزش دادگستری
استان تهران

فصلنامه قضاوت

https://www.Ghazavat.org

شاپای الکترونیکی: ۷۸۰۹-۳۰۶۰
شاپا چاپی: ۱۲۲۷-۱۷۳۵
دوره: ۲۶ ـ شماره: ۱۲۷
پاییز ۱۴۰۵

رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی در پرتو رسیدگی به جنایات ژان پیر بمبا؛ پایبندی به اساسنامهٔ دیوان یا اعمال دیدگاه‌های سیاسی

مهدی کورانی[۱] | محمدجعفر حبیب‌زاده[۲] | سید درید موسوی مجاب[۳]

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: mahdi.kourani@modares.ac.ir

۲. استاد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: habibzam@modares.ac.ir

۳. استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: d.mojab@modares.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: علمی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۴/۰۷/۱۰
تاریخ بازنگری:
۱۴۰۴/۱۰/۰۵
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۵/۰۳/۱۴

کلیدواژه:
آیین دادرسی، اساسنامهٔ دیوان، دیوان کیفری بین‌المللی، ژان پیر بمبا.

چکیده

یکی از مواردی که اغلب در موضوع‌های مرتبط با علوم انسانی مورد توجه است، تغییر مباحث نظری در فرایند تبدیل به ساختار عملی است. ملزومات نظام دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی نیز از این موضوع مستثنا نیست و رویهٔ عملی دیوان کیفری بین‌المللی به طور دقیق منطبق با مواد اساسنامهٔ این مرجع قضایی نیست؛ بنابراین به‌مثابهٔ مصداقی از توجه به موضوع یادشده، در پژوهش حاضر پروندهٔ ژان پیر بمبا و نحوهٔ رسیدگی دیوان کیفری بین‌المللی را به این پرونده تحلیل می‌کنیم. «ژان پیر بمبا» به دلیل رهبری گروه شورشی جنبش آزادی کنگو و جنایات ارتکابی علیه دولت مرکزی، تحت تعقیب دیوان کیفری بین‌المللی قرار گرفت. در این پژوهش به روش توصیفی ـ تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، اصول و آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی را در پروندهٔ بمبا بررسی می‌کنیم. همچنین مواردی همچون صلاحیت موضوعی دیوان، نحوهٔ تعقیب، نقش شعبهٔ مقدماتی در تمامی مراحل رسیدگی، رعایت اصول دادرسی عادلانه و رعایت حقوق متهم را در دیوان کنکاش خواهیم کرد. به‌رغم رعایت بسیاری از اصول و موارد لازم در دادرسی در فرایند رسیدگی به این پرونده، عدول از برخی مواد اساسنامه و اعمال دیدگاه‌های سیاسی به چشم می‌خورد.

استناد
کورانی، مهدی، حبیب‌زاده، محمدجعفر، موسوی مجاب، سید درید. (۱۴۰۵). رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی در پرتو رسیدگی به جنایات ژان پیر بمبا؛ پایبندی به اساسنامهٔ دیوان یا اعمال دیدگاه‌های سیاسی، فصلنامه قضاوت، ۱۲۷(۳)، ۱۰۸-۱۲۲.
http//doi.org/ 10.22034/judg.2026.2073336.1604

DOI 10.22034/judg.2026.2073336.1604

ناشر انتشارات دادگستری کل استان تهران

CC BY

مقدمه

پروندهٔ آقای ژان پیر بمبا، معاون رئیس‌جمهور سابق جمهوری دموکراتیک کنگو و فرماندهٔ گروه شبه‌نظامی «جنبش آزادی کنگو»، یکی از پرونده‌های مهم دیوان کیفری بین‌المللی است. این پرونده به دلیل اتهامات سنگینی که علیه بمبا مطرح شده بود و برخی پیچیدگی‌های حقوقی، اهمیت دارد؛ تا حدی که به نوعی موجب شکل‌گیری رویهٔ قضایی در رسیدگی‌های دیوان کیفری بین‌المللی شد. بمبا در سال ۱۹۹۸ گروه شبه‌نظامی با عنوان جنبش آزادی کنگو را تأسیس کرد و در سال ۲۰۰۲ میلادی به درخواست «فلیکس پاتاسه»، رئیس‌جمهور وقت آفریقای مرکزی، برای سرکوب‌کردن کودتایی علیه او (پاتاسه) پاسخ مثبت داد. در این راستا، نیروهای بمبا دست به جنایات بسیاری زدند که نهایتاً در فرایندی موجب تشکیل پرونده برای بمبا در دیوان کیفری بین‌المللی شد. در این مورد، یکی از ادعاهای مطرح‌شده از سوی دولت‌های آفریقایی، اعمال دیدگاه‌های سیاسی در عملکرد دیوان است؛ موضوعی که کشورهای آفریقایی را به تشکیل دادگاه‌های منطقه‌ای سوق داده است. کشورهای آفریقایی به عدم ورود و رسیدگی دیوان به جنایات واقع‌شده در سرزمین‌هایی همچون فلسطین، اوکراین، میانمار و مانند این‌ها معترض‌اند (فروغی‌نیا، ۱۳۹۸: ۵۵).

به هر حال آنچه از مجموعه مقررات بین‌المللی به ذهن متبادر می‌شود، توجه به برقراری نظم عمومی و امنیت است و به مفاهیمی چون عدالت و انصاف کمتر اعتنا می‌شود (سواری، ۱۳۹۰: ۲۵۲)؛ این موضوع می‌تواند به دستاویزی برای اعمال ملاحظات سیاسی از سوی دیوان بینجامد. در مقابل بیان می‌شود که استقرار دیوان به منظور برقراری آرامش و امنیت واقعی از طریق مجازات جانیان و نیز همسو با حیات مبتنی بر عدالت است (Luigi and Santiago, 2002: 627) و نمی‌توان به مفاهیمی چون عدالت و انصاف بی‌توجه بود.

با مطالعهٔ اساسنامهٔ دیوان، تشریفاتی برای شروع دعوا در دیوان کیفری بین‌المللی به چشم می‌خورد؛ از جمله رعایت صلاحیت موضوعی و صلاحیت تکمیلی برای شروع به تعقیب از سوی دادستانی. موضوع صلاحیت دیوان به دلیل اصل عدم مداخله در امور دولت‌ها [بند۷ مادهٔ ۲ منشور سازمان ملل متحد] مهم‌ترین موضوع مورد اختلاف در تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی بود (سیدزاده ثانی و غلامی، ۱۳۹۹: ۱۸۶) که به پذیرش صلاحیت تکمیلی دیوان ختم شد. برخی نویسندگان حقوقی، تکمیلی‌بودن صلاحیت دیوان را موجبی برای کاهش کارآمدی دیوان مطرح کرده‌اند (Bishop, 2013: 388). در خصوص نحوهٔ ارجاع پرونده به دیوان نیز تشریفاتی لازم است و رعایت آن ضروری است. از دیگر موارد می‌توان به نقش شعبهٔ مقدماتی در امر تعقیب و تحقیق اشاره کرد که فصل پنجم اساسنامه به خوبی کم‌وکیف این موضوع را بیان کرده است. تشریفات و اصول دادرسی در دیوان به همین حد خلاصه نمی‌شود و مواردی همچون رعایت حقوق متهم در

امر تحقیق در موادی چون مادهٔ ۱۵ اساسنامه لازم دانسته شده است. این موضوع فقط منحصر به مرحلهٔ تحقیق نیست و در هر مرحله از رسیدگی لازم دانسته شده است. مفهوم دیگری که باید توجه شود و از لوازم رسیدگی در دیوان کیفری بین‌المللی است، رعایت اصول دادرسی عادلانه در دیوان است که این مفهوم دامنهٔ وسیعی دارد و در اسناد بین‌المللی نیز بر رعایت آن تأکید شده است. از ابتدایی‌ترین نمودهای دادرسی عادلانه می‌توان به شرط قانونی‌بودن دادگاه اشاره کرد که در مادهٔ ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و سایر اسناد بین‌المللی مطرح شده است.

در مورد پژوهش حاضر، تحقیقی با این مضمون صورت نگرفته است، از این رو، با روش توصیفی ــ تحلیلی و با بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای رعایت یا عدم رعایت اصول و تشریفات بیان‌شده و اعمال‌شدن یا نشدن ملاحظات سیاسی را در جریان رسیدگی به پروندهٔ ژان پیر بمبا بررسی می‌کنیم.

۱. آیین دادرسی در بستر شروع دعوا علیه بمبا

چنان‌که بیان شد، ژان پیر بمبا، فرماندهٔ گروه شبه‌نظامی، در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ در قلمروی سرزمینی آفریقای مرکزی دست به جنایات متعددی زد. پس از برکناری دولت وقت، فلیکس پاتاسه، رئیس جدید دولت آفریقای مرکزی، شکایتی را علیه بمبا به دیوان کیفری بین‌المللی تسلیم کرد و خواستار محاکمهٔ او شد. در واقع ارجاع وضعیت آفریقای مرکزی به دفتر دادستانی دیوان در دسامبر ۲۰۰۴ صورت گرفت. در این خصوص باید دانست که آفریقای مرکزی عضو «معاهدهٔ رم» نیست؛ معاهده‌ای که اساس دیوان کیفری بین‌المللی را تشکیل می‌دهد. برای عضویت‌نداشتن این کشور در معاهدهٔ رم، دلایل گوناگونی مطرح است از جمله اینکه آفریقای مرکزی در این سال‌ها با مشکلات داخلی فراوانی مواجه بوده است که تمرکز دولت را بر مسائل داخلی معطوف کرده است. از سوی دیگر، این نگرانی وجود دارد که دیوان کیفری بین‌المللی بهانه‌ای برای مداخلهٔ قدرت‌های بزرگ در امور داخلی کشورهای آفریقایی باشد.

با وجود عضویت‌نداشتن آفریقای مرکزی در معاهدهٔ رم، تقاضای تعقیب و رسیدگی جنایات رخ‌داده در آفریقای مرکزی از سوی دولت این کشور تقدیم دفتر دادستانی شد. نتیجه آنکه با طی تشریفات، در مه ۲۰۰۷ تحقیقات دادستانی در وضعیت آفریقای مرکزی آغاز شد. تا به اینجا، در خصوص روند پروندهٔ بمبا باید چنین گفت که رفتاری خلاف اساسنامه و اصول رسیدگی در دیوان کیفری رخ نداده است؛ چراکه طبق مادهٔ ۱۳ اساسنامهٔ دیوان، سه فرض برای شروع به تعقیب و تحقیق از سوی دادسرای دیوان لحاظ شده است و عضویت کشور ارجاع‌دهنده، یکی از فروض است. به بیان دیگر، عضویت‌نداشتن در معاهدهٔ رم به معنای ممکن‌نبودن درخواست تعقیب از

دادستانی دیوان نیست. دادستان می‌تواند رأساً بر اساس اطلاعاتی که به دست می‌آورد تحقیقات خود را شروع کند، مگر اینکه تشخیص دهد که طبق اساسنامه، دلایل قانع‌کننده‌ای برای اقدام وجود ندارد. اگر دادستان به این نتیجه برسد که مبنای مستدلی برای تحقیق‌کردن وجود دارد، باید درخواستی را به ضمیمهٔ اسناد و مدارک برای گرفتن مجوز تحقیق به شعبهٔ مقدماتی تسلیم کند (صابر، ۱۴۰۱: ۸۸). مادهٔ ۱۵ اساسنامهٔ دیوان نیز به روشنی به این نکته اشاره می‌کند.

ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت نیز یکی دیگر از موارد شروع به تعقیب از طریق دادستانی است که در بند «ب» مادهٔ ۱۳ مشخصاً تصریح شده است. با این حال، موضوع بحث ما، ارجاع از سوی دولت غیرعضو، است که در بند ۳ مادهٔ ۱۲ اساسنامه آمده است. طبق این بند کشورهایی که عضو اساسنامه نیستند، می‌توانند با سپردن اعلامیهٔ پذیرش نزد رئیس دبیرخانه، اعمال صلاحیت دیوان را بپذیرند. از این رو، آفریقای مرکزی با استناد به همین بند به‌طور قانونی و مشروع، تقاضای رسیدگی به جنایات واقع‌شده در این کشور را تقدیم دیوان کرد. نکتهٔ مهم اینکه آنچه دیوان می‌پذیرد، وضعیت ارجاعی است و پذیرش پرونده در دیوان صورت نمی‌گیرد. به بیان دیگر، حالت کلی که در زمان و مکان مشخصی، یک یا چند مورد از جنایات بین‌المللی از سوی افراد انجام گیرد، پذیرفته می‌شود. در پذیرش وضعیت برخلاف پذیرش پرونده، شخص ملاک نیست، بلکه جنایات رخ‌داده در بستر زمانی و مکانی مشخص مدنظر است. در این خصوص کشور عضو یا پذیرندهٔ صلاحیت دیوان، نمی‌تواند پذیرش خود را محدود به جرم خاصی کند؛ برای مثال نمی‌تواند صرفاً اعمال صلاحیت دیوان را در خصوص جنایات جنگی ارتکابی در یک اردوگاه نظامی خاص تقاضا کند. اهمیت این موضوع در ادعای مطرح‌شدهٔ اخیر مبنی بر احتمال تقاضای دولت حاکم در سوریه برای رسیدگی دیوان به جنایات واقع‌شده در این کشور نمایان است. در این فرض، آنچه زیر ذره‌بین دادستان دیوان قرار می‌گیرد، وضعیت ارجاعی است و جنایات اعضای دولت حاکم در سوریه نیز از این حیث مستثنا نخواهد بود. در مقابل گفته می‌شود که در خصوص اعلامیهٔ پذیرش از سوی کشور غیرعضو، امکان پذیرش یک وضعیت یا قضیهٔ خاص وجود دارد و الزامی به پذیرش کلی صلاحیت دیوان نیست (Kenneth, 2003, 581). به نظر می‌رسد با توجه به اینکه در مادهٔ ۱۲ چنین قیدی وجود ندارد، نظر اول درست‌تر باشد.

از ویژگی‌های منحصربه‌فرد در دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به سایر محاکم کیفری بین‌المللی و غیره، اختیار دادستان در ارزیابی و تصمیم‌گیری در خصوص آغاز تحقیقات قضایی در یک وضعیت خاص است (Khojasteh, 2018: 223). به عبارت دیگر، گزارش یا طرح شکایتی در دیوان، لزوم آغاز تحقیقات را به دنبال ندارد و احراز مبنایی معقول برای شروع تحقیق برای این موضوع لازم است. منظور از مبنای معقول با توجه به مادهٔ ۵۳ اساسنامهٔ دیوان، مواردی مانند احراز صلاحیت،

شـــدت و تأمین منافع عدالت اســـت (Shoamanesh, 2018:499–500). باید پذیرفت که با توجه به اقتضاهای دیوان، ورود این مرجع به رســیدگی به جنایات از باب ضرورت اســت؛ از این رو، دیوان به‌منزلهٔ آخرین راه، به بخشــی از جنایات رســیدگی می‌کند (حســینی اکبرنژاد، ۱۳۸۷: ۱۲۲). اختیار گزینش قضایا از سوی دادستان، همسو با همین نکته است که این اختیار محدود نیست و مهم است (Schabas, 2012:80). در همین راســتا هیچ محدودیت زمانی برای ارزیابی دادســتان در اساسنامه در نظر گرفته نشــده اســت (Nouwen, 2013:94)؛ بنابراین، دادستان می‌تواند با فراغ بال تا اکتفای ارزیابی‌هــا به تحقیق ادامــه دهد. نقش فعال دادســتان در این مرحله به‌مثابــهٔ فعالیت تحقیقی یک کمیسیون تحقیق بین‌المللی است (Sluiter et al., 2013:181). به هر رو، در موضوع مورد پژوهش نیز وضعیت آفریقای مرکزی از سوی دادستانی ارزیابی شد و در مه ۲۰۰۷ تحقیقات آغاز شد.

۲. آیین دادرسی در پرتو تعقیب و تحقیق در پروندهٔ بمبا

آنچه آقای بمبا را تحت تعقیب قرار می‌داد، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی بود که از طریق نیروهــای تحت فرمان وی به وقوع پیوســته بود. منظور از جنایت علیه بشــریت، هریک از اعمال معنونه در مادهٔ ۷ اساســنامهٔ دیوان اســت که در چهارچوب حمله‌ای گســترده یا ســازمان‌یافته ضد جمعیتی غیرنظامی و با علم به آن حمله ارتکاب می‌یابد. چنان‌که مبرهن است مصادیق جنایت علیه بشــریت در این ماده قابل توجه اســت و آنچه در خصوص آقای بمبا مطرح اســت، ارتکاب قتل و تجاوز با عنوان جنایات علیه بشریت است. این نوع از جنایت فقط در اساسنامهٔ دیوان مورد توجه نبوده و در محاکم بین‌المللی پیشــین از جمله یوگســلاوی ســابق و رواندا مطرح شــده بود و اتهام افــرادی چون درونژیچ، دیکمانویچ، آناتول و الویز با همین عنوان بود (رضوی فرد، ۱۳۹۴: ۲۵۶ و ۳۲۴). جنایت جنگی نیز که قدیمی‌ترین جنایت بین‌المللی اســت، در مادهٔ ۸ اساســنامهٔ دیوان بیان شــده و مصادیق آن با توجه به نقض‌های فاحش کنوانســیون ژنو و دیگر قوانین و عرف‌های مسلم حقوق بین‌الملل و حاکم بر منازعات مسلحانهٔ بین‌المللی تعیین شده است.

بنابراین، بمبا به دلیل کشــتار عمدی، تجاوز و غارت تحت عنوان جنایات جنگی مورد تعقیب قرار گرفت. در خصوص اتهامات مطرح‌شــده علیه بمبا اقدام خلاف قانونی مشــاهده نمی‌شــود؛ چراکه صلاحیت موضوعی دیوان مدنظر قرار داده شده و خروج از چهارچوب آن صورت نگرفته اســت. صلاحیت موضوعی دیوان وفق مادهٔ ۵ اساســنامه به شدیدترین جنایاتی محدود می‌شود که دغدغهٔ اصلی جامعهٔ بین‌المللی هســتند و منظور از آن‌ها، جنایت نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت، جنایــت جنگی و نهایتاً جنایت تجاوز اســت. البته در خصوص جنایــت تجاوز، اعمال صلاحیت دیوان منوط به بازنگری اساسنامهٔ دیوان مطابق مواد ۱۲۱ و ۱۲۲ است که تاکنون محقق نشده است.

در خصوص صدور دستور بازداشت ژان پیر بمبا، لوئیس مورنو اوکامپو، دادستان وقت دیوان کیفری بین‌المللی، در تاریخ ۹ مه ۲۰۰۸ درخواست دستور بازداشت بمبا را تقدیم شعبهٔ مقدماتی کرد و قضات شعبه ضمن موافقت با درخواست دادستان، در ۲۳ مه ۲۰۰۸ یعنی فقط چند روز پس از درخواست، دستور بازداشت بمبا را به‌صورت محرمانه صادر کردند. فقط یک روز پس از صدور دستور بازداشت، دولت بلژیک، ژان پیر بمبا را دستگیر کرد و او در ۳ جولای همان سال به بازداشتگاه دیوان کیفری بین‌المللی در لاهه منتقل شد.

دربارهٔ دستگیری و تحویل بمبا به دیوان، پیچیدگی و مشکل خاصی مشاهده نمی‌شود؛ این در حالی است که در دستگیری و بازداشت متهمان بین‌المللی، دیوان معمولاً با معضلاتی مواجه است. برای درک بهتر موضوع، فرایند تلاش برای دستگیری عمر البشیر مورد توجه است که به اتهامات مشابه با بمبا تحت تعقیب دیوان کیفری بین‌المللی قرار گرفته بود. عمر البشیر، رئیس‌جمهور وقت سودان، بود که به علت جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت در دارفور سودان تحت تعقیب قرار گرفته و اولین دستور جلب و دستگیری او در مارس ۲۰۰۹ صادر شده بود (مؤمنی و رامین‌نیا، ۱۴۰۰: ۲۸۹). با این حال، فرایند دستگیری وی به‌سادگی دستگیری بمبا نبود و جلب و دستگیری او هیچ‌گاه محقق نشد. دستور جلب عمر البشیر اگرچه سفرهای او را محدود ساخت، او همچنان به سفرهای درون‌قاره‌ای خود ادامه می‌داد و کشورهای عضو اساسنامهٔ رم برخلاف تعهدات فصل‌هفتمی خود از جلب و دستگیری البشیر امتناع می‌کردند. سفرهای البشیر به جابه‌جایی‌های درون‌قاره‌ای محدود نشد و در سال ۲۰۱۷ به اردن نیز سفر کرد. جالب آنکه به‌رغم اینکه اردن عضو اساسنامهٔ رم بود، از دستگیری البشیر امتناع کرد. مهم‌ترین چالش و دستاویزی که موجب امتناع کشورها از دستگیری البشیر می‌شد، لزوم تعهد دولت‌ها به رعایت مصونیت سران دول بود (ذاکرحسین، ۱۴۰۳: ۱۶۵). مصونیت را می‌توان به‌منزلهٔ سپری دانست که موجب معافیت افراد از تعقیب می‌شود؛ مسئله‌ای که در پروندهٔ حسن هابره، رئیس‌جمهور چاد، نیز وجود داشت (بی‌پروا، ۱۳۹۷: ۳۰). در پی دلبستگی کشورها به حاکمیت مطلق، ممنوعیت هر نوع تعقیب در قبال اعمال حاکمیت یا تصدی مطرح بوده که اخیراً تحولاتی در این حوزه رخ داده است (فهیم دانش، ۱۳۹۶: ۱۱۶).

در خصوص این موضوع که کشورهای عضو اساسنامهٔ رم از آن عدول کرده و رعایت مصونیت سران کشورشان را پذیرفته بودند همچنان اختلاف وجود دارد و برخی کشورها با استناد به لزوم رعایت مصونیت سران دولت‌ها از تسلیم متهم به دیوان سرپیچی می‌کنند. به این مسئله در پروندهٔ البشیر نیز به دلیل اینکه سودان عضو اساسنامهٔ رم نبود و وضعیت مذکور با ارجاع شورای امنیت به دیوان تحت پیگیری بود، استناد شد. گفتنی است که اساس این مطلب در خصوص استرداد متهم به دیوان مدخلیت دارد، اما علاوه‌بر پروندهٔ البشیر، در پرونده‌های دیگر نیز این استدلال به مقولهٔ

تسلیم هم تسری یافته است؛ از جمله اینکه اخیراً در پی دستور بازداشت نتانیاهو در سال ۲۰۲۴ کشورهایی مانند فرانسه به این مقوله استناد کرده‌اند و در مقام بیان موضع سیاسی خود به آن تمسک جسته‌اند. پذیرش این استدلال، مشکلی به معضلات دیوان کیفری بین‌المللی می‌افزاید و کارآمدی آن را بیش از پیش تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما به هر حال تمسک به چنین استدلالی بی‌اساس و فاقد وجاهت نیست.

در فرایند بازداشت بمبا، شعبهٔ مقدماتی دستور لازم را پس از طرح پیشنهاد از سوی دادستان صادر کرد که این اقدام طبق مواد اساسنامه و مطابق با آن بود. در این زمینه باید توجه داشت که در پیش‌نویس اساسنامهٔ رم و مذاکرات برای صدور اساسنامه همواره موضوع اختیارات دادستان مورد بحث بود. همچنین، در خصوص شرایط شروع تعقیب و اختیارات دادستان در ادامهٔ مراحل تعقیب و تحقیق اختلاف بود؛ چراکه این مسئله حساسیت بالایی داشت و تزلزل در تصمیمات دادستان، برهم‌خوردن نظم جهانی را در پی داشت. گروهی از کشورها به دادستانی کاملاً مستقل اعتقاد داشتند و کسب مجوز از نهاد یا مرجع دیگر را از سوی دادستان لازم نمی‌دانستند (اجتهادی، ۱۳۷۸: ۲۷۵). در مقابل تعدادی از کشورها عملاً اختیار بسیار محدودی برای دادستان قائل بودند که نهایتاً رویکردی بینابینی در اساسنامهٔ رم پذیرفته شد؛ موادی مانند مادهٔ ۱۳ و ۵۸ این رویکرد را به خوبی نمایان می‌کند. در همین راستا برای صدور قرار بازداشت، دادستان به‌طور مستقل اختیاری ندارد و برای این کار لازم است که ابتدا وقوع جنایات برای دادستان محرز شود و در صورت وجود سایر شرایط، درخواست صدور قرار بازداشت را به شعبهٔ مقدماتی تسلیم کند. شعبهٔ مقدماتی با بررسی درخواست و ضمائم آن، در صورت احراز مواردی چون وجود قرائن کافی مبنی بر وقوع جنایت در صلاحیت دیوان و ضرورت بازداشت شخص، دستور بازداشت فرد را صادر می‌کند. این شکل از همکاری دادسرا و شعبهٔ مقدماتی به نوعی در نظام حقوق نوشته قابل مشاهده است؛ از این رو، این کشورها موافق تشکیل نهادی به نام شعبهٔ مقدماتی بودند. اگرچه کشورهای دارای نظام کامن لا چنین نهادی ندارند، اما با تأسیس این نهاد مخالفتی نکردند (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۸۰). این نوع از نظارت امکان خطای دادستان را کاهش می‌دهد و با تأکید واضعان اساسنامه بر این موضوع و نگرانی از اختیارات گستردهٔ دادستان شکل گرفته است. در واقع، این نوع از نظارت، نظارت پیشینی است و با آنچه در نظام حقوقی کشور ما هست، متفاوت است. در نظام حقوقی کشور ما اعتراض به قرار بازداشت صادرشده از سوی دادسرا در صلاحیت دادگاه است که نوعی از نظارت پسینی است. مصداق مشابهی از نظارت پیشینی در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نمایان است که اتخاذ تصمیم در خصوص بازداشت متهم برعهدهٔ قاضی آزادی‌ها و بازداشت است (آشوری، ۱۳۸۰).

در ادامهٔ روند پروندهٔ بمبا، ضمن حضور او در جلسات پیش از رسیدگی بدوی، تحقیقات لازم

برای تأیید یا رد اتهامات وی ادامه می‌یابد. در این مرحله به شـواهد موجود در پرونده و اظهارات بمبا توجه می‌شـود و پس از برگزاری چند جلسه، نهایتاً زمان تصمیم‌گیری در خصوص تأیید یا رد اتهامات بمبا فرامی‌رسـد. در این مرحله شـعبهٔ مقدماتی اتهامات آقای بمبا را تأیید می‌کند. فرایند تأیید اتهامات آقای بمبا در ژانویهٔ ۲۰۰۹ آغاز شد و در نهایت در ژوئن همان سال، اتهامات وی به تأیید شـعبهٔ مقدماتی رسید. این شـیوه از رسیدگی در مادهٔ ۶۱ اساسنامهٔ دیوان پیش‌بینی شده است و اقدام خلاف قانونی در خصوص نحوهٔ برگزاری این جلسات در پروندهٔ بمبا دیده نمی‌شود. طبق این ماده، دادگاه مقدماتی بر حسـب مقررات در مدت زمان معقولی پس از تسـلیم‌کردن شخص یا حضور داوطلبانهٔ وی در دادگاه، موظف اسـت جلسـهٔ اسـتماع را برای تأیید اتهاماتی که دادستان بر پایهٔ آن‌ها خواسـتار محاکمه شـده است، تشـکیل دهد. گفتنی است که این جلسه باید با حضور دادستان، شخص متهم و نیز وکیل مدافع وی برگزار شود. در ادامه، شعبهٔ مقدماتی تصمیم به آزادی بمبا گرفت که این موضوع با اعتراض دادستان همراه شد و پس از بررسی، این تصمیم لغو شد. در این خصوص، همان‌طور که دسـتور بازداشت متهم بر عهدهٔ شعبهٔ مقدماتی است، این شعبه اختیار تبدیل قرار و یا آزادی موقت متهم را هم دارد. در پروندهٔ یادشـده با توجه به احراز وجود شـرایط مقرر در بند ۱ مادهٔ ۵۸، بمبا همچنان در بازداشت باقی ماند.

۳. مرحلهٔ رسیدگی به پروندهٔ بمبا در بوتهٔ تحلیل

در ادامهٔ سـیر پروندهٔ بمبا، پس از صورت‌گرفتن تحقیقات لازم و تأیید اتهامات در شـعبهٔ مقدماتی، محاکمهٔ بمبا در ۲۲ نوامبر ۲۰۱۰ در دادگاه و شـعبهٔ بدوی آغاز شـد. در پروندهٔ بمبا، وفق مادهٔ ۱۷ اساسـنامهٔ دیوان، مانعی برای رسیدگی‌نکردن وجود نداشـت و موضوع از موارد صلاحیت دیوان بود. از موارد بحث‌برانگیز، بند ۲ مادهٔ ۱۷ اسـت که عدم تمایل دولت صالح را مجوزی برای طرح دعوا اعلام می‌کند. اگرچه نویسـندگان حقوقی بر حصری‌بودن مصادیق عدم تمایل تأکید داشته‌اند (Holmes, 2002: 591)، همچنان عنوان می‌شود که تمایل، مفهومی ذهنی است و احراز آن دشوار است (خالقی و مظاهری، ۱۳۹۱: ۱۷۵).

به هر رو، با توجه به درخواسـت دولت آفریقای مرکزی مبنی بر رسـیدگی دیوان، مانعی از این لحاظ برای پذیرش دعوای مطروحه وجود نداشـت و دادگاه خود را صالح به رسـیدگی دانسـت. در ایـن مرحله به اتهامـات ژان پیر بمبا با عنوان «جنایت جنگی و جنایت علیه بشـریت از طریق اقداماتی چون قتل، تجاوز و غارت از سـوی نیروهای تحت فرمان وی» رسـیدگی شـد. قربانیان بسیاری از طرف دادگاه مجوز حضور را در فرایند دادرسی دریافت کردند و قضات دادگاه شهادت شـهود متعددی را از طرف دادستان و وکلای بمبا شنیدند. در میان این شهود تعدادی از بزه‌دیدگان

نیز حضور داشتند. در قسمتی از محاکمهٔ بمبا در شعبهٔ بدوی، لوئیس مورنو اوکامپو، دادستان پرونده، بیان می‌دارد: «جوخه‌های کوچک درست شده بودند و گروه‌هایی از سه یا چهار سرباز به خانه‌ها یورش می‌بردند و اموال قابل سرقت را می‌ربودند. آن‌ها به زنان و دختران و سالمندان بدون توجه به سنشان تجاوز می‌کردند». بمبا و وکلای او در مقام دفاع، اتهامات عنوان‌شده را نپذیرفتند و به عدم حضور و اطلاع‌نداشتن بمبا از جرایم صورت‌گرفته اشاره کردند. در ۱۲ نوامبر ۲۰۱۴ آخرین اظهارات دادستانی، دفاع‌های متهم و نیز اظهارات نمایندهٔ قربانیان شنیده شد و نهایتاً در ۲۱ مارس ۲۰۱۶ رأی دادگاه صادر شد. طبق این رأی ژان پیر بمبا به‌عنوان مرتکب جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ در آفریقای مرکزی مجرم شناخته شد و در ژوئن ۲۰۱۶ از طرف قضات شعبهٔ سوم دادرسی دیوان به ۱۸ سال حبس محکوم شد. در این مرحله، تخطی آشکاری به بسیاری از اصول دادرسی عادلانه صورت نگرفت و اصولی چون حضوری‌بودن دادرسی، بی‌طرفی دادرسان و ارزیابی دلایل، مورد توجه بود. البته که رعایت اصولی چون رسیدگی در مهلت معقول با اشکال مواجه است؛ چراکه ضمن توجه به معیارهای این اصل و اطلاع از پیچیدگی‌های رسیدگی در دیوان، طولانی‌شدن فرایند دادرسی در معنای عام، تضییع‌کنندهٔ حقوق بزه‌دیدگان و حتی حقوق متهم است. رعایت این اصل در رسیدگی‌های دیوان کیفری بین‌المللی، ضمن تأکید اساسنامهٔ دیوان در بند ۱ مادهٔ ۶۷ بی‌اشکال نیست. با این حال باید به پیچیدگی‌های رسیدگی دیوان توجه داشت و انتظار رسیدگی در زمانی مشابه با محاکم داخلی را منطقی ندانست. فراخواندن شهود از کشورهای گوناگون، تکیه بر همکاری دولت‌ها و اختلاف زبان افراد دخیل در پرونده، برخی از دشواری‌های رسیدگی در دیوان است (فضایلی، ۱۳۸۴: ۲۷۳). با توجه به سیر رسیدگی، متهم در این پرونده از حقوق خود منع نشد و فرض برائت، حق داشتن وکیل و مانند این‌ها در خصوص او رعایت شد. همچنین، در رسیدگی در دادگاه، شهود متعددی از طرف متهم ادای شهادت کردند و امکانات دفاعی برای متهم فراهم بود.

حضور بزه‌دیدگان در فرایند دادرسی محاکمات دیوان کیفری بین‌المللی از جمله در پروندهٔ بمبا اهمیت بسیاری دارد. تا پیش از تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی، بیشتر توجه محاکم بین‌المللی به مجازات مرتکبان بود و حقوق قربانیان این جنایات به‌طور گسترده‌ای نادیده گرفته می‌شد (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳۰۹). برای مثال در دادگاه نظامی نورنبرگ و دادگاه جنایات جنگی توکیو، به قربانیان توجهی نمی‌شد و برای ورود یا مشارکت آنان در مراحل دادرسی، حقی لحاظ نشده بود (Zappala, 2003: 45). یکی از دلایل این موضوع تسلط نظام حقوقی کامن لا در این محاکم بود که حقی برای قربانیان برای مشارکت در رسیدگی کیفری قائل نبود (Tylor, 1992: 75). اهمیت حضور بزه‌دیدگان در فرایند دادرسی به این علت است که منافع قربانیان با منافع دادستان یکسان

نیســت؛ به بیان دیگر، تمرکز دادستان بر حفظ منافع جامعه است(Olasolo and Kiss, 2010: 125) و قربانیان به دنبال ترمیم آســیب‌های خود و بیان زوایای پنهان جنایات از دید خودشــان هستند. از طرفی، حضور قربانیان در فرایند دادرسی به صدور حکم عادلانه کمک خواهد کرد.

موضوعی که به پروندهٔ ژان پیر بمبا اهمیت ویژه‌ای می‌بخشــد، ایجاد رویه‌ای بســیار مهم در رســیدگی‌های دیــوان کیفری بین‌المللی اســت. در این پرونده مســئولیت فرماندهان برای رفتار نیروهای تحت امرشــان به تثبیت رســید (Shoamanesh, 2018: 505). این موضوع در اساسنامهٔ دیوان در مادهٔ ۲۸ به روشــنی مطرح شــده و در شــرایطی برای فرماندهان و دیگر مقامات ارشد، مســئولیت کیفری لحاظ شــده اســت. چنان‌که بیان شد، بمبا در قســمتی از دفاعیات خود عنوان داشــت که در صحنهٔ وقوع جنایات حضور نداشــته است و این واقعیت برای قضات محرز شده بــود. با این حال قضــات رأی محکومیت بمبا را صادر کردند؛ چراکه معتقد بودند طبق مادهٔ ۲۸ و مســئولیت فرماندهی، بمبا می‌توانســت از وقوع جنایات نیروهای تحت امرش جلوگیری کند یا آن‌ها را متوقف ســازد. در واقع در رسیدگی‌های دیوان، بحث مباشرت بالفعل مطرح نیست؛ بلکه عالی‌ترین مقام نظامی یا سیاســی که مؤثر در آن تصمیم بوده، قابل مجازات اســت. بمبا نیز از این قاعده مســتثنا نیست و اگرچه از مقامات عالی بود، به دلیل جنایات نیروهای تحت امرش مسئول شناخته شد.

جنبهٔ مهم دیگر پروندهٔ بمبا، محکومیت در حوزهٔ جرایم جنســی است. در این پرونده به تجاوز به‌منزلهٔ مصداقی از جنایت علیه بشــریت و جنایت جنگی توجه شــد و محکومیت بمبا را به دنبال داشــت. دادســتان دیوان، خانم بنســودا، در واکنش به رأی صادره عنوان داشت که این پرونده نیاز اساســی به ریشه‌کن‌کردن جرایم جنســی و جرایم مبتنی بر جنسیت را به‌مثابهٔ سلاحی در منازعات برجسته ساخت.

باید گفت که در فرایند رســیدگی به اتهامات ژان پیر بمبا، اتهام جدیدی علیه او مطرح شــد که موجــد رویهٔ مهمی در دیوان اســت. بمبا به همراه چهار فرد دیگر به ارتــکاب جرایم علیه اجرای عدالت از جمله اعمال نفوذ بر شــهود، متهم شــدند که به محکومیت آنان در اکتبر ۲۰۱۶ منجر شد. دیــوان با صدور ایــن رأی موضع خود را در برابر هرگونه مداخله در روند اجرای عدالت به خوبی نشــان داد و رویکردی بازدارنده برای رســیدگی‌های آتی برقرار کرد. امروزه جرم‌انگاری اقدامات علیــه اجرای عدالت در حقوق داخلی بســیاری از دولت‌ها نمایان اســت؛ ایــن دولت‌ها منحصراً اروپایی نیســتند و حتی بســیاری از کشــورهای حوزهٔ خلیج فارس نیز در این زمینه قانون‌گذاری و تعیین مجازات کرده‌اند.

۴. اعتراض و تقاضای غرامت از سوی شاکی در جریان پروندهٔ بمبا

با توجه به قطعی‌نبودن آرای شعب بدوی و امکان اعتراض از سوی متهم وفق مواد ۸۱ و ۸۲ اساسنامه، بمبا به محکومیت خود اعتراض کرد و جالب آنکه برخلاف انتظار، قضات شعبهٔ تجدیدنظر، او را از اتهامات جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت تبرئه کردند. از ۸ ژوئن ۲۰۱۸ می‌توان به‌عنوان روزی انتقادآمیز برای دیوان کیفری بین‌المللی نام برد. علت اصلی تبرئهٔ بمبا از سوی قضات تجدیدنظر، احرازنکردن شرایط لازم برای مسئولیت فرماندهی بود. رأی صادره موجب آن شد که بمبا پس از سال‌ها بازداشت، طعم آزادی را دوباره بچشد. در پی این آزادی، بمبا تقاضای غرامت خود را به دیوان تقدیم کرد. به هر حال بمبا از سال ۲۰۰۸ تا سال ۲۰۱۸ در بازداشت به سر برده و اکنون که از اتهامات وارده تبرئه شده بود، تقاضای جبران خسارت وارده را داشت.

دیوان در ۱۸ مه ۲۰۲۰ در این خصوص تصمیم گرفت و در رأی صادره عنوان داشت که این درخواست دو بخش دارد: درخواست غرامت به استناد مادهٔ ۸۵ اساسنامهٔ رم و درخواستی مبنی بر خسارت ناشی از ادعای سوءمدیریت دبیرخانهٔ دیوان در خصوص توقیف اموال به استناد قرار صادرشده از سوی قضات دیوان. در خصوص بخش اول درخواست، دیوان چنین مقرر داشت که آقای بمبا نتوانسته است ثابت کند که متحمل نقض مهم و آشکار عدالت، مطابق مادهٔ ۸۵ اساسنامهٔ رم شده است و در نتیجه درخواست غرامت او را، که به صلاحدید شعبه واگذار شده بود، نپذیرفت. در خصوص بخش دوم درخواست نیز، شعبه چنین نظر داد که موضوع خارج از محدودهٔ مادهٔ ۸۵ اساسنامهٔ دیوان و صلاحیت شعبه است و متعاقباً این درخواست را رد کرد. در راستای استدلال دیوان، بند ۲ مادهٔ ۸۵ اساسنامه مقرر می‌کند: «اگر شخص در مرحلهٔ نهایی به یک تخلف جنایی محکوم شده باشد و سپس به دلیل وقوع وقایع جدید یا کشف اخیر یک سری واقعیات که نشان‌دهندهٔ عدم اجرای عدالت است، محکومیت وی باطل شده باشد، شخصی که در نتیجهٔ این محکومیت مجازات شده است، باید مطابق قانون غرامت دریافت نماید، مگر آنکه اثبات گردد که وی در عدم افشای واقعیت‌های مجهول در زمان محاکمه، کلاً یا بعضاً مقصر بوده است».

از این رو، در مورد بخش اول درخواست بمبا، دیوان بر این باور بود که اگرچه متهم از اتهامات تبرئه شده، نقض عدالت در رسیدگی به اتهام بمبا محرز نشده است. در خصوص بخش دوم هم مادهٔ ۸۵ ساکت است و درخواست بمبا خروج موضوعی دارد. به هر حال، با فرض درست‌دانستن رأی صادره مبنی بر تبرئهٔ بمبا از اتهامات، بازداشت‌بودن ده‌سالهٔ وی بدون پرداخت کمترین غرامت به او، امری خلاف عدالت به نظر می‌رسد و ضعف اساسنامهٔ دیوان در این زمینه مبرهن است. شعبه‌ای که به تقاضای غرامت بمبا پاسخ منفی داد، به درستی به این موضوع اشاره کرد و عدم وجود محدودیت در رسیدگی و بازداشت متهمان را نیازمند اصلاح دانست.

نتیجه‌گیری

با تمام انتقاداتی که نسبت به عملکرد دیوان کیفری بین‌المللی مطرح است، سیر پروندهٔ ژان پیر بمبا ذیل وضعیت آفریقای مرکزی، نشان از آن دارد که بسیاری از تشریفات و اصول تعیین‌شده در اساسنامهٔ دیوان، رعایت شده است. موارد شروع تعقیب، نقش دادستان و شعبهٔ مقدماتی در امر تحقیق، دادرسی با حفظ حقوق متهم و اصول دادرسی عادلانه، همگی در فرایند رسیدگی دیوان مورد نظر است؛ البته که در مواردی همچون لزوم رسیدگی در مهلت معقول، اشکال وجود دارد. نکتهٔ دیگر آنکه عرصهٔ بین‌الملل اقتضاها و ملاحظه‌های خاص خود را دارد و ممکن است دیوان در اجرای تمام‌وکمال مواد اساسنامه با تشکیک مواجه باشد. بررسی پروندهٔ ژان پیر بمبا نمایانگر آن است که استناد قضات دیوان به برخی مواد اساسنامه در مرتبهٔ اول اهمیت بسیار دارد و به قضات محاکم بعدی دیوان، شجاعت صدور رأی بر آن مبنا را پیشکش می‌دهد. محکومیت بمبا طبق مدل مسئولیت فرماندهی از سوی شعبهٔ بدوی، توجه به تجاوز و محکومیت بمبا به دلیل ارتکاب جرایم علیه عدالت، از مواردی است که استناد قضات محاکم بعدی دیوان به مواد مربوطه را هموار ساخت.

با تمرکز بر پروندهٔ بمبا، لزوم اصلاح برخی مواد اساسنامه از جمله ایجاد محدودیت در مدت زمان بازداشت متهم مشهود است. اصلاح در این زمینه، عدالت‌محوری در موضوع درخواست غرامت از سوی متهم را نیز در پی خواهد داشت.

با بررسی عملی وضعیت مورد بحث، برخی انتقادات کشورهای آفریقایی نسبت به دیوان منصفانه نیست. از مهم‌ترین انتقادات کشورهای آفریقایی، رسیدگی انحصاری دیوان به وضعیت و پرونده‌های آفریقایی و اعمال ملاحظات سیاسی است. این در حالی است که با توجه به موارد شروع به تعقیب، در موارد فراوانی، تعقیب به تقاضای خود کشورهای آفریقایی شروع شده است؛ از جملهٔ این‌ها پروندهٔ ژان پیر بمبا است که دولت محل جنایات تقاضای تعقیب خود را به دفتر دادستانی دیوان تقدیم کرد. با این حال به‌رغم اقدامات مثبت دیوان، باید پذیرفت که این مرجع کیفری بین‌المللی نسبت به جنایات رخ‌داده در مناطق دیگر جهان، آن‌طور که باید اهتمام ندارد و یا در مواردی به اقدامات نمایشی بسنده می‌کند. نقد دیگری که به دیوان مطرح است، این است که با وجود صرف هزینه و وقت بسیار در فرایند رسیدگی، در بسیاری از موارد، رسیدگی صورت‌گرفته به اجرای مجازات ختم نمی‌شود که این وضعیت در خصوص ژان پیر بمبا به روشنی قابل مشاهده است.

به هر حال، اگرچه انتقاداتی به دیوان مطرح است، نمی‌توان نقش این مرجع را در بازدارندگی نسبت به اعمال جنایات به کلی نادیده گرفت. اصلاح برخی مواد اساسنامه، تسریع در رسیدگی و

نگاه برابر به دولت‌ها و جوامع مختلف و دوری از اعمال دیدگاه‌های سیاسی، افزایش چشمگیر تأثیرگذاری دیوان در این عرصه را در پی خواهد داشت.

منابع

۱. اجتهادی، عباس. (۱۳۷۸). **جایگاه دادسرای دیوان کیفری بین‌المللی و نقش دادستان آن**، اسحق آل حبیب، مندرج در کتاب دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۴۳۵-۴۷۲.

۲. آشوری، محمد. (۱۳۷۶). **قانون آیین دادرسی کیفری ایتالیا در بوتهٔ آزمایش**، محمد آشوری، مندرج در کتاب عدالت کیفری، چاپ اول، تهران: گنج دانش، ۱۷۱-۱۹۶.

۳. آشوری، محمد. (۱۳۸۰). **تقریرات درس آیین دادرسی کیفری تطبیق**، دورهٔ دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.

۴. بی‌پروا، امیر. (۱۳۹۷). **تعهد به محاکمه یا استرداد در پروندهٔ حسن هابره**، فصلنامه قضاوت، دورهٔ ۱۸، شمارهٔ ۹۴، ۲۱-۳۶.

۵. حسینی اکبرنژاد، هاله. (۱۳۸۷). **صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین‌المللی: پویایی نظام‌های ملی در مقابله با بی‌کیفری**، مجله حقوقی بین‌المللی، دورهٔ ۲۶، شمارهٔ ۴۱، ۱۱۱-۱۴۲.

۶. خالقی، علی و مظاهری، امیرمسعود. (۱۳۹۱). **عدم تمایل دولت به رسیدگی، یکی از مبانی قابلیت پذیرش موضوع در دیوان کیفری بین‌المللی**، مطالعات حقوق خصوصی، دورهٔ ۴۲، شمارهٔ ۳، ۱۵۹-۱۷۶.

۷. ذاکرحسین، محمدهادی. (۱۴۰۳). **چهل گفتار در باب نظام عدالت کیفری**، چاپ اول، تهران: شهر دانش.

۸. رضوی فرد، بهزاد. (۱۳۹۴). **حقوق بین‌الملل کیفری**، چاپ دوم، تهران: میزان.

۹. سواری، حسن. (۱۳۹۰). **ناسازواری عدالت و صلح در دیوان کیفری بین‌المللی در پرتو پروندهٔ عمر البشیر (سودان)**، فصلنامه راهبرد، دورهٔ ۲۰، شمارهٔ ۵۸، ۲۴۳-۲۶۶.

۱۰. سیدزاده ثانی، سیدمهدی و غلامی، میثم. (۱۳۹۹). **تقابل صلاحیت تکمیلی و ذاتی دیوان کیفری بین‌المللی (پروندهٔ سیف‌الاسلام قذافی)**، سیاست بین‌الملل، دورهٔ ۹، شمارهٔ ۱، ۱۷۱-۱۹۲.

۱۱. صابر، محمود. (۱۴۰۱). **آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی**، چاپ سوم، تهران: دادگستر.

۱۲. طباطبایی، سپیده. (۱۳۹۳). **نقش قربانیان جنایات بین‌المللی در روند رسیدگی دیوان کیفری بین‌المللی**، مندرج در کتاب مجموعه مقالات حقوقدانان ایرانی دیوان کیفری بین‌المللی، چاپ اول، تهران: شهر دانش، ۳۱۹-۳۵۲.

۱۳. فروغی‌نیا، حسین. (۱۳۹۸). **موانع و چالش‌های اجرایی دیوان کیفری بین‌المللی در تقویت ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه**، تعالی حقوق، دورهٔ ۵، شمارهٔ ۱، ۳۷-۷۴.

۱۴. فضایلی، مصطفی. (۱۳۸۴). **معیارها و تضمین‌های محاکمهٔ عادلانه در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی**، به راهنمایی جمال سیفی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۱۵. فهیم دانش، علی. (۱۳۹۵). **ملاحظاتی بر استثناپذیربودن قاعدهٔ مصونیت دولتی در حقوق بین‌الملل معاصر**، فصلنامه قضاوت، شمارهٔ ۸۸، ۱۱۵-۱۴۶.

۱۶. مؤمنی، مهدی و رامین‌نیا، مژگان. (۱۴۰۰). **حقوق جزای بین‌الملل**، چاپ اول، تهران: شهر دانش.

17. Bishop, A. (2013)**."Failure of Complementarity: The Future of the International Criminal Court Following the Libyan Admissibility Challenge"**, minnesota *journal of int'l law*, Vol. 2, 388-421.

18. Holmes, J. (2002). **"Complementarity: National courts against the ICC", in: Cassese Et al., The Rome statute of the International Criminal Court**, Oxford: Oxford University Press.

19. Kenneth, S. G. (2003)**."The Criminal Court in the System of States and International Organizations"**, *Leiden journal of international law*, Vol. 16, No. 3, 553-591.
20. Khojasteh, A. (2018*). "The Pre Preliminary Examination Stage: Theory and Practice of the OTP's Phase 1 Activities"*, *Torkel Opsahl Academic Epublisher*, Vol. 1, No, 32, 8-33.
21. Luigi, C and Santiago, V. (2002). **Referral and Deferral by the Security Council, in: The Rome Statute of The International Criminal Court, A Commentary**, Oxford: Oxford university press.
22. Nouwen, S. (2013). **Complementarity in the Line of Fire: the Catalyzing Effect of the ICC in Uganda and Sudan**, Cambridge: Cambridge University Press.
23. Olasolo, H and Kiss, A. (2010)**."The role of victims in criminal proceedings before the International Criminal Court"**, *Revue Internationale de Droit Pénal*, Vol. 81, No. 1, 125-163.
24. Schabas, W. (2012). **Unimaginable Atrocities: Justice, Politics and Rights at The War Crimes Tribunals**, Oxford :Oxford University Press.
25. Shoamanesh, S. S. (2018)**."Institution Building: Perspective from within the Office of the Prosecutor of the International Criminal Court"**, *International Criminal Law Review*, Vol. 18, No. 3, 489-516.
26. Sluiter, G; Friman, H and Linton, S. (2013). **International Criminal Procedure: Principles and Rules**, Oxford:Oxford University Press.
27. Tylor, T. (1992). **The Anatomy of the Nuremberg Trails, A Personal Memoir**, New York: Skyhorse.
28. Zappala, S. (2003). **Human Rights in International Criminal Proceeding**, Oxford: Oxford university press.